

شاه عباس و علاقه به سواری، کمان کشی و راستگویی ایران باستان

۶ فروردین ۱۳۹۴ ساعت ۱۲:۴۰

... اما هنگامی که خلق خوشی داشت، بسیار سرزنده و دلنشین بود... حس کنجکاوی اش، اروپاییانی را که از دربارش دیدن می کردند به خوشامدی گرم مطمئن می کرد و آن ها می توانستند انتظار سوال پیچ شدن داشته باشند

در صص ۱۹۱-۱۹۹ می خوانیم:

در فصل چهاردهم که دیوید بلو آن را «شاه عباس، انسان و پادشاه» نامیده، دیدگاه نویسنده درباره شاه عباس روشن تر می شود. در این فصل نویسنده تلاش می کند با کنار هم قرار دادن خصوصیات مختلفی که به نظر او شاه عباس دارا بود، به قول خودش شخصیت او را دقیق تر بررسی کند: «برعکس بسیاری از نجای دربارش که دوست داشتند جامه های ابریشم و زربفت گران بها بپوشند، شاه عباس لباس ساده از پارچه سرخ، سبز یا سیاه را ترجیح می داد... اما در جشن ها و مناسبت های رسمی جامه های پر زرق و برق تری می پوشید... به همان سادگی غذا تناول می کرد که لباس می پوشید... از تدارک و پختن غذا لذت می برد... گرچه شاه عباس کم غذا می خورد اما به اعتدال نمی نوشید. تقریباً بدون استثناء، تمامی اروپاییانی که به دربار او رفته اند از اینکه او می توانست ساعات متمادی بنوشد به شگفت آمده اند. اما هیچ یک از آن ها هرگز او را مانند جانشینانش مست ندیدند... او بی نهایت بی قرار بود و دائم به انجام کاری مشغول... به همین اندازه از تنبلی دیگران بیزار بود... به چشم او دروغ گفتن حتی خلافی خطیرتر بود... به یقین سه چیز را که ایرانیان باستان پیش از هر چیز به مردان جوان خود می آموختند قبول داشت: سواری، کمان کشی و راستگویی... همه کسانی که او را ملاقات کرده اند تحت تاثیر فراست جالب توجه او قرار می گرفتند... شاه عباس در عین حال به شدت خرافاتی بود... مردم شاه را کسی می دیدند که عدالت را در حق آن ها اجرا می کند، که معمولاً به معنی حفظ آن ها از ستم مقامات بود... از این نظر، شاه عباس به داشتن وجدان، بی طرفی و سخت گیری معروف بود... شاه عباس مجبور بود برای ساختن کشوری منظم و بدون هرج و مرج که به میراث برده بود بی رحم باشد، چنان که بود... اما هنگامی که خلق خوشی داشت، بسیار سرزنده و دلنشین بود... حس کنجکاوی اش، اروپاییانی را که از دربارش دیدن می کردند به خوشامدی گرم مطمئن می کرد و آن ها می توانستند انتظار سوال پیچ شدن داشته باشند... شاه عباس واجد نوعی حس شوخ طبعی ناسوده و دلکوار بود... بی تکلفی نشان سبک حکومتی شاه عباس بود... شاه عباس در هر شهری که بود با اسب به شهر می رفت تا اگر توانست با مردم سخن بگوید و شاهد اوضاع و احوال باشد... او اغلب بی خبر به مغازه ها، قهوه خانه ها و حتی خانه های مردم وارد می شد... او مخصوصاً مشتاق گردش دور و بر بازارها بود و گاه این کار را با جامه مبدل انجام می داد، هم برای آنکه بشنود مردم درباره او چه می گویند و هم برای واری واری آنچه برای فروش در بازار عرضه می شد... این تنها راه مطلع شدن شاه عباس از اوضاع و احوال قلمرو پادشاهی خود

نبود. مانند بیشتر حکمرانان و نظام‌های ایرانی، او لشکری از جاسوسان داشت... تردیدی نیست که بیشتر رعایای وی شاه عباس را با تحسین و محبتی آمیخته با ترس می‌نگریستند...»

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۴۷۵/شاه-عباس-علاقه-سواریه-کمان-کشیه-گویی-کمان-سواریه-علاقه-عباس-شاه>